
تغییرات گرایش به دینداری در ایران در دو دهه اخیر

اسداله بابایی فرد

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان
babaiefardm@gmail.com

حمیده رحیمی خوشمکانی

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان
hrahimikh521@gmail.com

مریم کمری سگلوند

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان
maryamkamari@gmail.com

چکیده

در این پژوهش تغییرات در عرصه دینداری طی دوازده سال، از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۴، با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های آماری این پژوهش از یافته‌های پژوهش‌های تجربی سال‌های اخیر، به ویژه پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴، استخراج شده است. داده‌های به دست آمده در پنج جدول گردآوری شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به داده‌های این پیمایش‌ها در مورد دین و دینداری، دو حوره کلی ابعاد شخصی و فردی و ابعاد جمعی و مربوط به جامعه در نظر گرفته شد. برای بررسی امور شخصی و فردی به سنجش انجام اعمال و مناسک دینی، عمل به احکام دینی و نگرش‌های و باورهای دینی پرداخته شده است و برای بررسی بعد جمعی و امور مربوط به جامعه، سنجش نگرش افراد نسبت به دینداری در حال و آینده در جامعه در نظر گرفته شده است. بررسی داده‌ها نشان دهنده افزایش میزان دینداری در بعد فردی و شخصی در طی دوره مورد بررسی است. از طرف دیگر، در بعد جمعی و امور مربوط به جامعه با افزایش میزان بی‌طرفی و مردد بودن طی مدت دوازده سال اخیر در جامعه ایران مواجه هستیم.

واژگان کلیدی: تحلیل ثانویه، دینداری، پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، بعد فردی دینداری، بعد جمعی دینداری.

مقدمه

تأملات متفکران در گذشته بیشتر معطوف به محتوای دین و سرگذشت تاریخی ادیان بوده است و کمتر به سراغ مباحثی چون دینداری و تغییرات آن که منوط به مطالعه در احوال فردی است رفته‌اند. در ادوار اخیر است که با اهمیت یافتن «عینیت» در دانش و «فردیت» در جامعه و رشد جریان‌های عرفی بررسی وضع دینی جامعه و تغییرات دینداری موضوعیت پیدا کرده و متفکران دین‌پژوه را به واکاوی و معرفی شاخص‌هایی برای آن مشغول ساخته است. تا نیمه قرن حتی توجه جامعه‌شناسان که اهتمام زائدالوصفی در آغاز به «موضوع دین داشتند، به این بحث جلب نشد و نتوانست ذهن آن‌ها را از نظر اندازه‌های کلان به موضوع «دین» منحصر و به سوی «دینداری» معطوف سازد. شاهد مثال آن‌ها که هیچ یک از آن‌ها، از دورکیم^۱ و مارکس^۲ و وبر^۳ گرفته تا پارتو^۴ و زیمیل^۵، بحثی درباره دینداری و مسئله تغییرات و سنجش آن مطرح نکرده‌اند (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۳).

دینداری بدون شک در زندگی هر فردی تأثیرگذار خواهد بود و ابعاد مختلف زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وبر، نقش نظام‌های فرهنگی و ارزش‌ها و هنجارها را بر کنش افراد، مهم و اساسی ارزیابی می‌کند. از دیدگاه وی انتخاب‌های افراد در جامعه و به تبع آن کنش‌های افراد متأثر از معنای ذهنی است که افراد تحت تأثیر فرهنگ برای کنش‌های خود قائل هستند (حجازی، ۹۲). «دینی بودن» عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. فرد متدین، از یکسو، خود را ملتزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و، از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت، یکی از طریق «پابندی» و التزام دینی‌اش^۶ و دیگری از «پی‌آمد» دینداری^۷ و آثار تدین در فکر و جان و مال فردی و اجتماعی او (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۳).

دین به عنوان امری متعالی در مرحله صدور خود ماهیتی دارد که با ماهیت دین جاری در اجتماع متفاوت است. این سخن به این معنا نیست که با جاری شدن دین در اجتماع اساساً هویت و مبنای دین با چالش و تغییر و تحول مواجه می‌شود و انحراف از متن دین رخ می‌دهد، بلکه بیش از هر چیز این سخن به معنای تمایز میان اقشار اجرا و به کار بستن دین با متن و حقیقت آن است. آنچه که از مشاهده دینداری در میان اقشار مختلف جامعه به دست می‌آید نوعی تفاوت و تمایز در اجرای دین است. همه گروه‌ها و افراد به نحو یکسان مقید به دینداری نیستند. این سخن به معنای قشر یا گروهی کردن دین نیست و نباید این تصور پیش‌آید که منظور از تفاوت در دینداری تفاوت بر اساس تقسیم‌بندی‌های اجتماعی است. چه بسا بسیاری کسان که در یک گروه اجتماعی هستند اما دینداریشان به مراتب جدی‌تر و آگاهانه‌تر از سایر اعضای هم‌گروه اجتماعی خودشان و نیز گروه‌های اجتماعی دیگر باشد. بر این اساس باید به دنبال عوامل و شرایطی بود که در محقق شدن تفاوت‌های دینداری تأثیر گذارند. این عوامل و شرایط را می‌توان در دو بخش کلی عوامل انسانی و محیطی جای داد (اسماعیلی و آشنا، ۱۳۹۲: ۵۴).

بعد از انقلاب اسلامی مسأله دین و دینداری افراد جامعه به یکی از بزرگترین دغدغه‌های مسئولان و دستگاه‌های مختلف فرهنگی کشور تبدیل شد. پیمایش‌های ملی مختلف پیرامون وضعیت دینداری ایرانیان (محسنی، ۱۳۷۴، ۱۳۷۹؛ گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۳۸۷ و طالبان، ۱۳۸۸) گواه وجود دغدغه‌ایست. برای حکومتی بر آمده از دین، مسأله دینداری ضرورتی مهم است. در ایران در سه دوره زمانی مختلف پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان انجام پذیرفته است. این پیمایش‌ها

^۱ . Emile Durkheim

^۲ . Karl Marx

^۳ . Max Weber

^۴ . Pareto

^۵ . Simmel

^۶ . Religious Commitment

^۷ . The Consequence of Religiosity

در همه استان‌های کشور به بررسی موضوعات مختلف پرداخته است. یکی از موضوعاتی که در موج دوم ۱۳۸۲ و موج سوم ۱۳۹۴، به آن پرداخته شده است، موضوع دینداری و ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حوزه دین و دینداری است. پژوهش حاضر در پی آن است که با بررسی و تحلیل ثانویه یافته‌های این دو پیمایش، موج دوم و سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان تغییرات در عرصه دین و دینداری طی این ۱۲ سال در ایران را رصد کند. همانطور که قبل از این بیان شد برای جامعه‌ای که بر مبنای دین بنا شده است مساله دین و دینداری دارای اهمیت و ضرورت بسیار است. به نظر می‌رسد جای خالی پژوهش جامع در این زمینه در جامعه ایران به چشم می‌خورد.

پیشینه تجربی پژوهش

خسرو خاور (۲۰۰۷) در مقاله‌اش با عنوان «گونه‌های جدید دینداری در ایران» به مطالعه‌ی انواع دینداری جوانان به‌ویژه دانشجویان در شهر قم می‌پردازد و سبک دینی وی در این پژوهش شامل دینداری‌هایی همچون «تجدد دینداری سنتی»، «اسلام بازنگرانه»، «اسلام سکولار» و «اسلام عامی» است. همانطور که از مقایسه‌ی تحقیقات پیشین برمی‌آیند سبک‌های دینداری دانشجویان متنوع‌تر و فردگرایانه‌تر و خود مرجع‌تر از دینداری طلاب می‌باشد. لزوم مقایسه‌ی دینداری در این دو قشر در ارتباطات مجازی‌شان علاوه بر اینکه به شناسایی انواع سبک‌های دینداری موجود در شهر قم کمک می‌کند، بهترین نوع ارتباط دین و شبکه‌های مجازی را نشان خواهد داد و زمینه‌ی برنامه ریزی دقیق‌تر و مفیدتر را فراهم خواهد ساخت.

اسماعیلی و آشنا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان دینداری فرهنگی، نمود فرهنگ در صور دینداری به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. این پژوهش بیانگر این است که عوامل متعددی در شکل‌گیری دینداری فرهنگی دخالت دارند که از جمله می‌توان به شرایط جغرافیایی و تاریخی، فضا، عادت‌واره‌ها و رسانه‌ها اشاره کرد. این مقاله برای گونه‌شناسی دینداری فرهنگی چهارگونه اصلی: تدین قشر فرودست فرهنگی، تدین قشر متوسط فرهنگی، تدین روشنفکران و تدین عالمان دینی را مفهوم پردازی کرده است. مهم‌ترین عاملی که دو دسته روشنفکران و عالمان دینی را از دو قسم دیگر جدا می‌نماید بهره‌مندی از تعقل در دینداری است و در عین حال نحوه رویارویی با عقل به شکاف میان روشنفکران و عالمان دینی می‌انجامد.

طالبان و رفیعی بهابادی در پژوهشی با عنوان ارزیابی تجربی نظریه اینگلهارت در ایران: ارتباط توسعه با دینداری، در پی پاسخ به این سوال بوده‌اند که آیا نظریه اینگلهارت که بین سطح توسعه یافتگی و میزان دینداری ارتباط برقرار می‌کند، قابلیت تبیین تغییرات دینداری در ایران را دارد یا خیر؟ از این رو، نظریه اینگلهارت چارچوب نظری این مطالعه را تشکیل میدهد و دو فرضیه زیر از آن استخراج شده است: (۱) بین سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی و میزان دینداری رابطه معکوس وجود دارد. (۲) بین میزان نابرابری اقتصادی و میزان دینداری رابطه مستقیم وجود دارد. این فرضیات بر اساس تحلیل ثانوی داده‌های موجود با استفاده از تکنیک همبستگی و تحلیل رگرسیون مورد آزمون تجربی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان داد که ارتباط مستحکمی میان سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی و نابرابری اقتصادی با میزان دینداری وجود ندارد. این نتیجه را می‌توان چالشی برای نظریات یاد شده، دست کم در سطح یک کشور به حساب آورد.

توفیقی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان آزادی و دینداری از دیدگاه میشل فوکو^۱، با تاکید بر نوشته‌های او درباره انقلاب اسلامی ایران، به بررسی نقش آزادی و سوژه‌گی در آثار فوکو با تاکید بر انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. از نظر فوکو در موقعیتی که قدرت در همه جا نفوذ یافته است، یک امکان مهم برای اعمال فاعلیت (سوژه‌گی) تمرین‌های معنوی است یعنی یک مجموعه از فعالیت‌ها که در جهت خودسازی انجام می‌گیرد. انقلاب ایران یک نمونه از این نوع سوژه‌گی را به نمایش می‌گذاشت،

^۱. Foucault

زیرا بسیاری از انقلابیون همزمان به خودسازی درونی و ایجاد تحول بیرونی می پرداختند. فوکو باور داشت که تشیع انقلابی به دلیل وجود رویکرد های باطنی امکان اعمال آزادی را فراهم می کند. البته چنین ترکیبی از آنجا که در مقوله های ذهنی غربی نمی گنجید، برای ایشان قابل هضم نبود.

ترکمان دهنوی (۱۳۸۹) به بررسی ابعاد تحول یافته دینداری در جوانان دانشجوی پرداخته است. نتایج تحقیق ایشان نشان می دهد که تمایز و تنوع طلبی در دینداری، ورود قرائت های شخصی در دین، روی آوردن به مسلک های جدید دینی و ناپایدار بودن حضورشان در نهادهای دینی و وجود عنصر لذت گرایی در دینداری از خصیصه های نوظهور دینداری جوانان است. شجاعی زند در تحقیقی تحت عنوان روندهای شکل گیری دینداری در سال ۱۳۹۱ پرداخت. مقاله پس از تشریح محتوا، کاربرد و ضرورت های این موضوع، به بازشناسی و تفکیک الگوهای دیندار شدن می پردازد و یازده مسیر متفاوت از آن ها را معرفی و با هم مقایسه می نماید تا درک جامع تری از واقعیت دینداری و تنوعات و تحولات آن به دست دهد. تفکیک و جدا سازی میان الگوهای دیندار شدن، با استفاده از سه معیار «عرضه یا تقاضای» دین، «قصدی یا غیر قصدی» بودن دینداری و «تقدم نظری یا عملی» داشتن این روند انجام شده است تا بتوان مصادیق هر چه بیشتری از آنها را پوشش داد. در پایان نیز به ارزیابی این الگوها از حیث امکان و رواج و معقولیت مبادرت شده است. «کشش های فطری» و «آمادگی های روانی» از الگوهای هستند که ذیل تقاضا برای دین مطرح می شوند (شجاعی زند، ۱۳۹۱: ۱).

رضادوست و همکاران (۱۳۹۰) طی پژوهشی با عنوان بررسی جامعه شناسی برخی از عوامل موثر بر میزان دینداری؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، به بررسی تاثیر متغیرهای جامعه شناسی بر میزان دینداری دانشجویان پرداخته اند. چارچوب نظری تحقیق، برگرفته از آراء «یوخیم واخ^۹»، «جرج استولز^{۱۰}»، «پیتر برگر^{۱۱}»، «گلاک و استاک^{۱۲}» می باشد. بر اساس چارچوب نظری منتخب متغیرهایی از قبیل پایگاه اجتماعی-اقتصادی، هویت قومی و سکولاریزه شدن به عنوان عوامل موثر بر میزان دینداری شناخته شدند. اطلاعات این پژوهش با روش پیمایشی، از نمونه ای با حجم ۴۰۰ نفر از جمعیت آماری ۱۴۰۹۹ نفری دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز که با روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب گردیده، جمع آوری شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که سکولاریزه شدن تاثیر معنی دار و معکوسی بر میزان دینداری دارد. همچنین بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان دینداری رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. در حالیکه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان دنیوی شدن رابطه ای وجود ندارد، میزان دنیوی شدن در مردان بیشتر است. همچنین بین متغیر هویت قومی و میزان دینداری ارتباطی دیده نشد.

ربانی و صفائی نژاد (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان «فاصله نسلی با تاکید بر وضعیت دینداری و ارزش های اجتماعی، در سال ۱۳۸۲ به شیوه پیمایشی و از طریق مصاحبه ساختمند، به دنبال پی بردن به پیامدها و آثار تغییرات اجتماعی- فرهنگی بر فاصله نسلی و نیز بررسی تطبیقی نسل جوان و بزرگترها در شاخص های دینداری و ارزشهای اجتماعی، بوده اند. نتایج این پژوهش بیانگر این است که بین نسل جوان و بزرگترها از لحاظ میزان دینداری کلی رابطه وجود دارد. بر اساس داده ها و تجزیه و تحلیل آنها، میزان دینداری کلی گروه سنی بزرگترها بیشتر از گروه سنی جوان می باشد و بزرگترها دیندارتر از نسل جوان هستند.

^۹. Joachim Wach

^{۱۰}. Jorg Stolz

^{۱۱}. Peter Berger

^{۱۲}. Glock & Stark

روش پژوهش

این پژوهش با تکیه بر یافته‌های برخی پژوهش‌های تجربی انجام پذیرفته در جامعه ایران، و استدلال‌های نظری به بررسی وضعیت دینداری در طی حدود ۱۲ سال در جامعه ایران می‌پردازد. برای این منظور، در این پژوهش یافته‌های دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم ۱۳۸۲ و موج سوم ۱۳۹۴، در خصوص نگرش‌ها و باورهای دینی، عمل به اعمال دینی، مناسک دینی و دین و جامعه مورد بازبینی و تحلیل ثانویه قرار گرفته است. یافته‌های این دو پیمایش بزرگ ملی به صورت خام منتشر شده است. با توجه به اهمیت موضوع دینداری در جامعه اسلامی و مبتنی بر دین ایران به نظر می‌رسد این نتایج نیازمند تفسیر و تحلیل هستند تا بتوان تصویر روشن و واضح‌تری از وضعیت دینداری افراد جامعه به دست آورد. در این پژوهش از دو روش پژوهش اسنادی و روش مرور و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. برخی از جداول تنظیم شده در این پژوهش به صورت آماده در پژوهش‌های تجربی موجود نبوده و در این زمینه نگارنده آمار و ارقام را از جداول گوناگون استخراج کرده و در صورت لزوم آن‌ها را تلفیق کرده است. مثلاً در برخی موارد که گزینه‌های پاسخ‌های مطرح شده ۷ گزینه‌ای یا ۵ گزینه‌ای، به صورت طیف لیکرت بوده است، نگارنده برای آسان‌تر شدن کار تجزیه و تحلیل آن‌ها را به سه طبقه دسته‌بندی کرده و آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ۱۹). همچنین برخی از پرسش‌ها در این دو پیمایش با کمی تفاوت در صورت سوال و نیز تعداد گویه‌ها آورده شده است که نگارنده با توجه به ارتباط معنایی به تطبیق گویه‌ها و ارزیابی آن‌ها پرداخته است.

تعریف مفاهیم کلیدی

اساساً تعریفی جامع از دین، به گونه‌ای که جامع همه معارفی باشد که هر کدام ادعای دین بودن می‌کنند تلاشی نا تمام است. گواه بر این ادعا تعدد تعاریف ارائه شده است (اسماعیلی و آشنا، ۱۳۹۲: ۵۴). لغت *Religion* از ریشه *Religio* یا *Religior* به معنی عقیده و اعتقاد و در تعبیر عمومی، پرستش و آداب و مناسک مذهبی و همچنین به معنای راه و روش بکار رفته است. از نظر لغوی نیز، دین از ریشه اوستایی «دئنا» به معنی نفس و ذات و وجدان و در عربی به معنی اطاعت، کیش، آیین و داوری است (ربانی، ۱۳۸۲: ۶). دینداری از جمله مفاهیمی است که پیچیدگی قابل توجهی در معنا و مصداق آن وجود دارد. دین پژوهان تکاپوهای فراوانی را برای تجزیه و تحلیل مفهومی آن انجام داده‌اند و از زوایای مختلفی به آن پرداخته‌اند (میرسندسی، بی‌تا: ۱۳۰). با توجه به ادبیات دین پژوهی به نظر می‌رسد که می‌توان کل تعاریف از دین را در چهار طبقه مختلف، با عناوین: مضمونی، کارکردی، تجربی و شباهت خانوادگی تقسیم کرد (بایرن، به نقل از طالبان، ۱۳۸۸: ۱۶).

تعاریف مضمونی یا ماهوی، دین را بر اساس محتوای نوعی‌اش، یعنی اعتقادات، احساسات و اعمال معطوف به یک قدرت فرا انسانی یا خداوند تعریف می‌کند؛ مانند تعریف تایلور از دین، که آن را به اعتقاد به موجودات لاهوتی و روحانی تعریف کرده است. تعاریف کارکردی، بر نقش و خدمات دین در حیات فردی و اجتماعی تأکید دارند. در میان آثار دین پژوهان می‌توان کارکردهای متعددی را برای دین یافت؛ از جمله معنا بخشی به مسائل غایی بشر (تولد، حیات و مرگ)، کنترل اجتماعی، انضباط بخشی، انسجام اجتماعی، هویت بخشی و ... تعارف تجربی توجه و تأکیدشان را بر یک گوهر یا هسته مشترک می‌گذارند که متدینان تجربه شرکت در آن را داشته‌اند. گوهر دین نیز به معنای چیزی مشترک میان همه ادیان بزرگ جهانی، به رغم مظاهر مختلف آنها است (طالبان، ۱۳۸۸: ۱۶).

سه شیوه متفاوت یاد شده در تعریف دین دارای این نقطه مشترک هستند که همگی به دنبال شرایط لازم و کافی برای طبقه بندی پدیده‌ها به عنوان دینی هستند. اما تعریف نوع چهارم، یعنی شباهت خانوادگی، اساس جستجوی شرایط لازم و کافی را برای تعریف پدیده‌ها رد کرده، از این ایده حمایت می‌کند که پدیده‌هایی را که ما دین می‌نامیم، از تنوع

خارق‌العاده‌ای برخوردارند و هیچ خصیصه منفرد یا مجموعه‌ای از خصایص مشترک و واحد به عنوان شرط لازم یا کافی وجود ندارد که این توده نا همگون را وحدت بخشد. فقط شبکه‌ای از شباهت‌ها وجود دارد که همه آنها را به هم پیوند داده، در تور یک مفهوم انداخته است؛ مثلاً می‌توان به تعریف هیک از دین اشاره کرد. هیک (۱۳۷۲) بر اساس شیوه مشابهت خانوادگی، سعی در ارائه تعریف عام از دین داشت و در نهایت، نجابت یا رستگاری را وجه جامعه تمام ادیان دانست (طالبان، ۱۳۸۸: ۱۷).

سابقه نگاه فرهنگی به دین را می‌توان در اندیشه مردم‌شناسان به نحو بارزی یافت. آنچه که در ابتدا مورد توجه انسان‌شناسان واقع شد باور های دینی اقوام ابتدایی و در مرحله بعد نمود این باور ها در فضای زندگیشان بود. در مراتب پیشرفته‌تر، انسان‌شناسی دینی با تلاش های دورکیم روند دیگری را در پیش گرفت که بنا بر آن مبنا بر نقش و کارکرد اجتماعی دین در اجتماع تاکید می‌نمود. روند انسان‌شناسی دینی در ادامه به سمت رویکرد تفسیری و نمادین سوق داده می‌شود. در این اندیشه - که گیرتر را باید از بزرگان آن دانست - به فرهنگ به مثابه نظام و شبکه‌ای از معانی توجه می‌شود. دین نیز بر این اساس نظامی از معانی است که برخاسته از نحوه چینش عوامل شکل دهنده است و می‌توان این معانی را به واسطه نمادها باز شناخت. معانی این نمادها نیز از سوی کنشگر دینی تعیین می‌شوند. به تعبیر دیگر دین نظامی فرهنگی را صورت می‌دهد که عیار آن انسجام معنا و همبستگی نمادهای بیانی با معانی ذهنی است که مردم به آنها نسبت می‌دهند (ویلیامز، به نقل از اسماعیلی و آشنا، ۱۳۹۲: ۶۰). در کنار گیرتر اندیشمندان دیگری هم به دین به صورت شبکه‌ای از معانی توجه نشان داده‌اند. مفهوم دین مدنی به موقعیتی اشاره می‌کند که طی آن ملت هدف تقدیس قرار می‌گیرد و این زمانی است که سرنوشت و تاریخ ملی با هدف الهی پیوند می‌خورد. بخشی از عناصر دین مدنی در این نگاه جز دینداری فرهنگی‌اند. این عناصر معانی و رفتارهایی هستند که روابط صریح و فرقه‌ای خود را با دین از دست داده‌اند اما هنوز نظامی فرهنگی را صورت می‌دهند که چارچوب‌های هنجاری را فراهم می‌کند (ویلیامز به نقل از اسماعیلی و آشنا، ۱۳۹۲: ۶۰).

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش دیدگاه چند صاحب‌نظر جامعه‌شناسی را به عنوان مبانی نظری پژوهش ارائه کرده و به صورت مختصر مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم. این جامعه‌شناسان، در مجموع، بر تغییرات ارزش‌ها و نگرش‌های دینی در عصر جدید تأکید دارند، و از آن جا که جامعه‌ی ما نیز وارد فرایند مدرنیته شده است، دیدگاه‌های این صاحب‌نظران می‌تواند در تحلیل پدیده‌ها و رفتارهای دینی مردم جامعه‌ی ما مفید واقع شود.

امیل دورکیم: از نظر دورکیم، دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست. دین، نظامی فکری است که افراد، جامعه را به وسیله آن به خودشان بازمی‌نمایند و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه‌شان را با جامعه، از طریق آن بیان می‌کنند. به اعتقاد او، دین نه یک توهم است و نه یک چیز اساساً ساختگی. وقتی مومنان این عقیده را پیدا می‌کنند که وابسته و مطیع یک قدرت خارجی‌اند که همه چیزهای فی‌نفسه خوبشان را از او دارند، در واقع فریب نخورده‌اند. این قدرت در واقع وجود دارد و آن همان جامعه است. اما دین فقط نظامی از باورداشت‌ها و مفاهیم نیست، زیرا دین، نظام کنش نیز هست و دربرگیرنده مناسک عملی است. به استدلال دورکیم، دین در واقع زاییده مناسک است. از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند (همیلتون، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

رونالد اینگلهارت: نظریه‌ی رونالد اینگلهارت^{۱۳} بر اساس دو فرضیه مهم استوار است: الف) فرضیه کمیابی^{۱۴}، که در آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی-اقتصادی وی است بگونه‌ای که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است. ب) فرضیه اجتماعی شدن^{۱۵} که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است. این دو فرضیه با هم مجموعه بهم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدیدار می‌آورند. اول در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه بطور کلی یک شبه تغییر نمی‌کند. برعکس دگرگونی‌های اساسی ارزش‌ها بتدریج و بیشتر به طرز نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که یک نسل جوانتر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال جامعه شود. دوم، پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، شخص انتظار دارد بین اولویت‌های گروه‌های بزرگتر و جوانتر تفاوت‌های محسوس بیابد: این اولویت‌های ارزشی باید تحت تأثیر تجربه‌های مختلف سال‌های شکل‌گیری‌شان، باشد لیکن یک تأخیر زمانی نسبتاً بزرگ بین دگرگونی‌های اقتصادی و پیامدهای سیاسی آنها وجود دارد (ربانی، ۱۳۸۲: ۱۰).

جرج استولز: استولز در مقاله‌ای با عنوان «تبيين جامعه‌شناختی مکانیسم‌های دینداری (۲۰۰۸)» و مقاله‌ای دیگر به عنوان «خدایان رستگاری و بازار دین (۲۰۰۶)» به عوامل موثر بر دینداری اشاره کرده است. در ابتدا دینداری را به عنوان ارجحیت فردی، احساسات، عقاید و فعالیت‌هایی که به هستی و وجود دین برمی‌گردد، تعریف می‌کند. دین عبارت از نظام‌های نمادی است که عناصر شعائری، اخلاقی و افسانه‌ای را به هم پیوند می‌دهد. از نظر استولز فرهنگ سکولار - که به معنای تفسیر دنیا است و متمرکز در واژه فرهنگ، رسانه، علم و مطبوعات است - هویت قومی و هویت فرهنگی به عنوان عوامل موثر بر دینداری شناخته می‌شوند (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲).

توماس لاکمن: به نظر لاکمن^{۱۶}، دین، دوشادوش زندگی اجتماعی حرکت می‌کند. به اعتقاد او، روند جامعه نوین غربی به سوی دنیاگرایی، تنها به دلیل سستی گرفتن صورت‌ها و نهادهای دینی سنتی پیش آمده است، نه آن‌که خود دین سست شده باشد. برخی پرسش‌ها و مسائل بنیادی، در این نوع جوامع نیز همچنان فراروی انسان‌ها مطرح می‌شوند. این پرسش‌ها مربوط به ارزش‌هایی‌اند که لاکمن آن‌ها را ارزش‌های مسلط و فراگیر می‌نامد و به مبنای اجتماعی-ساختاری و کارکرد این ارزش‌ها در زندگی افراد نیز مربوط است (همیلتون، ۱۳۹۲: ۲۷۵). لاکمن می‌گوید، ویژگی جوامع معاصر، عدم نیاز به نظام‌های فراگیر ارزشی است، زیرا آن‌ها به مشروعیت دینی نیاز ندارند. دین به جنبه‌ای از زندگی خصوصی افراد تبدیل می‌شود و به گزینش فردی از میان انواع گزینه‌ها ارتباط پیدا می‌کند، گزینه‌هایی که می‌توان آن‌ها را تبدیل به یک نظام ارضای شخصی کرد. همین قضیه، لاکمن را به این استدلال می‌کشاند که جوامع نوین، شاهد دگرگونی ژرفی در رویکرد دینی‌اند، بدین سان که از استعلاهای بزرگ که با امور اخروی، زندگی و مرگ سروکار دارند، روی برگردانده و به استعلاهای کوچک زندگی که با تحقق نفس، ابراز وجود و آزادی‌های شخصی سروکار دارند، روی آورده‌اند (همان: ۳۰۲).

ویلیام جیمز: پرداختن ویلیام جیمز^{۱۷} به آثار دینداری از دو جهت حائز اهمیت است؛ نخست، از این نظر که وی قائل به فلسفه پراگماتیسم آثار و کارکردهای هر چیز معیار صدق و حقیقت آن است؛ دوم، از نظر روانشناسی دین؛ جیمز کتاب «انواع تجربه

^{۱۳} Ingelehart

^{۱۴} Scarcity

^{۱۵} Socializing

^{۱۶} Thomas Luckmann

^{۱۷} James

دینی» را به عنوان یک درمانگر یک کشیش و یک فیلسوف برای خودش ملاحظه می‌کند. استراوت^{۱۸} می‌گوید: یکی از نتایج برجسته رویکرد درمانی جیمز به تجربه دینی به حداقل رساندن اهمیت نهادهای دینی است. دیوید ولف در مقاله‌ای با عنوان «گوش فرا دادن به جیمز پس از یک قرن» که به مناسبت همایش بزرگداشت جیمز عرضه کرده و می‌گوید که تأکید جیمز برای ارزیابی دین بر حسب ثمرات آن، چیزی است که امروزه باید اقتباس گردد: «اگر قسمتی از برنامه جیمز در کتاب انواع تجربه دینی در زمان ما باید اقتباس شود، همانا تأکید وی بر ارزیابی دین بر حسب ثمرات آن است (آذربایجانی، ۱۳۸۶: ۲۱).

یافته‌های داده‌های ملی در حوزه دینداری ایرانیان

انجام دادن اعمال و مناسک دینی یکی از مؤلفه‌های دینداری در جامعه معرفی می‌شود. در پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان این موضوع مورد پژوهش قرار گرفته شده است. در این جا ابعاد شخصی و فردی دینداری ایرانیان، با تکیه بر داده‌های موج دوم و سوم پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. انجام اعمال و مناسک دینی

جدول ۱: انجام اعمال و مناسک دینی

موج سوم ۱۳۹۴			موج دوم ۱۳۸۲			انجام اعمال و مناسک دینی
اکثر اوقات	گاهی	به ندرت	اکثر اوقات	گاهی	به ندرت	
۲۷/۷	۴۱/۱	۳۱/۲	۲۰/۱	۳۸/۱	۴۱/۳	تلاوت قرآن
۳۸/۱	۳۷/۴	۲۴/۶	۳۶/۳	۳۸/۲	۲۵/۵	شرکت در مجالس روضه و عزاداری
۶۲/۰	۲۸/۰	۱۰/۰	۶۸/۶	۲۴/۲	۷/۳	صدقه دادن
۳۳	۴۴	۲۳/۱	۳۴/۷	۴۲/۰	۲۳/۳	زیارت اماکن متبرکه
۲۰/۲	۲۷/۳	۵۲/۵	۲۵/۱	۲۷/۳	۴۷/۷	استخاره کردن
۷۸/۵	۱۳	۸/۴	۶۹/۵	۱۷/۶	۱۲/۸	نماز خواندن
۷۲/۵	۱۵/۷	۱۱/۸	۸۵/۸	۹/۲	۵/۰	روزه گرفتن
۲۶/۳	۲۹/۲	۴۴/۵	۱۳/۹	۲۶/۹	۵۹/۲	شرکت در نماز جماعت
۱۶/۴	۲۲/۳	۶۱/۳	۵/۸	۱۵/۷	۷۸/۵	شرکت در نماز جمعه
۲۸/۴	۳۵/۵	۲۶/۲	۱۸/۸	۳۴/۴	۴۶/۹	حضور در مسجد

همان‌طور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد میزان تلاوت قرآن در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۲ به میزان ۷/۶ در صد افزایش داشته است. همچنین این افزایش در میزان نماز خواندن، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و حضور در مسجد نیز به چشم می‌خورد. شرکت در مجالس روضه و عزاداری و زیارت اماکن متبرکه در طی این سال‌ها تفاوت محسوس و قابل ملاحظه‌ای نداشته است. این نتایج نشان می‌دهند که میزان صدقه دادن، استخاره کردن و روزه گرفتن در سال ۱۳۹۴ کمتر از سال ۱۳۸۲ بوده است. در مورد عمل به احکام دینی پرسشی با این مضمون که «در مسائل و احکام دینی از

^{۱۸}. C. Strout

مراجع تقلید می‌کنید، عمل به احتیاط می‌کنید یا به تشخیص خود عمل می‌کنید؟» از افراد نمونه آماری پرسیده شده است. جدول زیر نشان دهنده پاسخ پاسخگویان در دو پیمایش سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ است.

ب. عمل به احکام دینی

جدول ۲: عمل به احکام دینی

موج سوم ۱۳۹۴		موج دوم ۱۳۸۲		عمل به احکام دینی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۳/۴	۹۵۰۲	۶۲/۱	۲۸۲۵	از مراجع تقلید می‌کنم.
۱۶	۲۳۲۲	۱۳/۹	۶۳۳	عمل به احتیاط می‌کنم.
۱۶/۷	۲۴۲۱	۲۱/۰	۹۵۷	به تشخیص خود عمل می‌کنم.
۱۰۰	۱۴۵۲۹	۱۰۰	۴۵۴۷	پاسخ معتبر

نتایج جدول بالا نمایانگر این است که در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۲ پاسخگویان کمتر به تشخیص خود عمل کرده و بیشتر عمل به احتیاط می‌کنند. در مورد گزینه تقلید از مراجع تغییری به میزان ۱/۲ درصد مشاهده می‌شود که نشان دهنده افزایش میزان تقلید از مراجع در طی این دوازده سال بوده است.

پ. نگرش‌ها و باورهای دینی

برای سنجش نگرش‌ها و باورهای دینی در این دو پیمایش از چندین گویه استفاده شده است که در مواردی با هم متفاوت هستند، لذا نگارنده گویه‌های مشترک پرسیده شده در دو پیمایش را انتخاب کرده است تا بتواند آن‌ها را به درستی تطبیق داده و مورد مقایسه قرار دهد.

جدول ۳: نگرش‌ها و باورهای دینی

موج سوم ۱۳۹۴			موج دوم ۱۳۸۲			نگرش‌ها و باورهای دینی
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	
۸۹/۶	۸/۹	۱/۴	۹۱/۷	۷/۱	۱/۲	در انجام امور مهم زندگی چقدر به خدا توکل می‌کنید؟
۸۸/۸	۱۷/۴	۳/۸	۶۴/۸	۲۸/۱	۷/۲	چقدر به خدا احساس نزدیکی می‌کنید؟
۸۶/۸	۹/۷	۳/۵	۹۴/۸	۳/۰	۲/۲	با این عقیده که «اعمال خوب و بد انسان در آخرت محاسبه می‌شود» چقدر موافقت می‌کنید؟
۳۹/۴	۲۴/۲	۳۶/۵	۴۰/۲	۰/۹	۵۰/۸	با این نظر که «دینداری به قلب پاک است حتی اگر آدم نماز نخواند» چقدر موافقت می‌کنید؟

همان‌طور که از یافته‌های این جدول برمی‌آید احساس نزدیکی به خدا در میان پاسخگویان در این دوازده سال ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است. با این وجود میزان توکل کردن به خدا در طی این مدت حدود ۲ درصد کاهش داشته است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۴ پاسخگویان به میزان ۸ درصد کمتر با این نظر که اعمال خوب بد انسان در آخرت محاسبه می‌شود موافق بوده‌اند. در مورد گزینه دینداری به قلب پاک است حتی اگر آدم نماز نخواند تغییر نظرات بیشتر به سوی بی‌طرفی بوده است. میزان مخالفت و موافقت در مورد این گویه در سال ۱۳۹۴ کمتر شده و به میزان ۲۳/۱ درصد پاسخگویان بی‌طرف یا حد متوسط افزایش پیدا کرده است.

ت. دین و جامعه

جدول ۴: دین و جامعه

موج سوم ۱۳۹۴			موج دوم ۱۳۸۲			گویه‌ها
موافق	مردد	مخالف	موافق	مردد	مخالف	
۱۱/۲	۲۷/۳	۶۱/۴	۱۵/۳	۱۱/۸	۷۲/۹	با این نظر که «با آدم‌هایی که نماز نمی‌خوانند نباید رفت و آمد کرد» چقدر موافقت می‌کنید؟
۴۸/۲	۳۰/۵	۲۱/۱	۴۱/۳	۱۴/۲	۴۴/۵	با این نظر که «باید جلوی انتشار کتاب یا فیلم‌هایی که باعث ناراحتی افراد مذهبی می‌شود گرفت» چقدر موافقت می‌کنید؟
۴۲/۶	۲۸	۲۹/۴	۴۸/۴	۱۲/۳	۳۹/۳	با این نظر که «برای گزینش استخدامی افراد در ادارات نباید کاری به عقاید مذهبی آن‌ها داشت» چقدر موافقت می‌کنید؟
۳۰/۷	۳۳	۳۶/۳	۳۲/۷	۱۳/۸	۵۳/۵	چقدر با جدایی دین از سیاست موافقت می‌کنید؟

با توجه به نتایج مندرج در این جدول مشاهده می‌شود که در مقایسه با نتایج پیمایش سال ۱۳۸۲، میزان مخالفت و موافقت با این نظر که نباید با افرادی که نماز نمی‌خوانند رفت و آمد کرد کاهش پیدا کرده و ۱۵/۵ درصد به میزان بی‌طرفی یا مردد بودن در این موضوع افزوده شده است. در طی این سال‌ها میزان قابل توجهی از مخالفان (۲۳/۴ درصد) با گزینه باید جلوی انتشار کتاب یا فیلم‌هایی که باعث ناراحتی افراد مذهبی می‌شود را گرفت، کم شده است. و به میزان ۱۶/۳ درصد بیشتر از سال ۱۳۸۲ به گزینه مردد بودن یا بی‌طرفی رای داده‌اند. میزان موافقت با این نظر ۵ درصد افزایش داشته است. هم‌چنین در مورد این نظر که در گزینش استخدامی افراد نباید عقاید مذهبی آن‌ها در نظر گرفته شود، میزان مخالفت و موافقت در مقایسه با سال ۱۳۸۲ کاهش داشته است ولی ۱۵/۷ درصد افزایش در پاسخ مردد یا بی‌طرف بودن مشاهده می‌شود. در مورد گویه جدایی دین از سیاست نیز همین روند صادق می‌باشد. در این مورد گزینه مردد با افزایش ۱۹/۲ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۲ مواجه بوده است. در پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج دوم و سوم به بررسی نگرش به حال و آینده در حوزه دین نیز پرداخته شده است. نتایج این بررسی در جدول زیر آمده است.

ث. نگرش نسبت به حال و آینده

جدول ۵: نگرش نسبت به حال و آینده

وضعیت دینداری نسبت به ۵ سال بعد			وضعیت دینداری نسبت به ۵ سال قبل			نگرش نسبت به حال و آینده
کمتر خواهد شد	فرقی نخواهد کرد	بیشتر خواهد شد	کمتر شده	فرقی نکرده	بیشتر شده	
۷۳/۷	۱۳/۵	۱۲/۸	۶۹/۹	۱۳/۶	۱۶/۵	موج دوم ۱۳۸۲
۶۴/۸	۲۵	۱۰/۲	۶۶/۲	۲۴	۹/۷	موج سوم ۱۳۹۴

مطابق با نتایج آورده شده در این جدول مشاهده می‌شود که به صورت کلی نگرش پاسخگویان نسبت به وضعیت دینداری در آینده این است که دینداری کمتر می‌شود. بیشترین درصد از پاسخگویان همین نظر را نسبت به وضعیت دینداری در حال نسبت به گذشته دارند. در سال ۱۳۹۴ درصد بیشتری از پاسخگویان نسبت به وضعیت دینداری در حال و آینده اعتقاد به ثبات داشته و گزینه «فرقی نخواهد کرد» را انتخاب کرده‌اند.

نتیجه‌گیری پژوهش

موضوع دینداری در ایران و تغییرات آن در گذر زمان، موضوعی است که نظر بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های مختلف را به خود جلب کرده است. پژوهشگران بسیاری از دید جامعه‌شناسی به بررسی این موضوع پرداخته و تاثیر عوامل مختلف را بر میزان دینداری سنجیده‌اند. راودراد (۱۳۸۸) به بررسی نقش برنامه‌های دینی و غیر دینی تلویزیون در افزایش یا کاهش دینداری پرداخته است. بررسی‌های انجام شده توسط راودراد نشان داده‌اند که برنامه‌های دینی تلویزیون دینی-ایدئولوژیک، بر خلاف اهداف خود عمل کرده و نه تنها مخاطب را دیندار نمی‌کنند، بلکه ناخواسته وی را از دین مورد تبلیغ خود دلزده کرده و دور می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دو نوع برنامه‌های مستقیم دینی و برنامه‌های صرفاً سرگرم کننده غیر دینی، چگونه به رغم تضاد ظاهری که با هم دارند، کارکرد یکسانی پیدا کرده و در جهت عرفی سازی یا بیرون راندن دین از عرصه زندگی عمومی کارکرد می‌یابند. به عقیده راودراد، تبلیغ مستقیم دین در برنامه‌های مختلف نه تنها موجب جذب افراد به دین نشده، بلکه برعکس، باعث ایجاد دین‌گریزی شده و جامعه را به سمت عرفی شدن و سکولاریسم پیش می‌برد. هم‌چنین نتایج مطالعات کلانتری و همکاران (۱۳۸۸)، گنجی و همکاران (۱۳۸۹)، علوی و همکاران (۱۳۸۹)، موسوی و کلانتری (۱۳۹۰)، سفیری و معماریانی (۱۳۹۰)، سفیری و نعمت‌اللهی (۱۳۹۰)، باهنر و جعفری (۱۳۹۱)، کریمیان صیقلانی (۱۳۹۱)، احمدی و همکاران (۱۳۹۳) و ریاحی و همکاران (۱۳۹۳)، به کاهش دینداری و هویت دینی جوانان ایرانی اشاره داشته‌اند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). به نظر می‌رسد که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین دارای تفاوت است. با توجه به اینکه جامعه آماری مورد مطالعه در تمامی این مطالعات جوانان بوده ولی در پیمایش‌های ملی تنها جوانان در نظر گرفته نشده‌اند و بازه سنی در این مطالعات محدود نیست، نیاز به بررسی عمیق‌تر و جامع‌تر این تفاوت احساس می‌شود.

نتایج پیمایش‌های ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حوزه دین و دینداری، در پنج جدول فوق خلاصه و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در یک نگاه کلی به این جدول‌ها می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی امور شخصی و فردی و امور جمعی و مربوط به جامعه دسته بندی کرد. جدولهای شماره یک، دو و سه به بررسی امور شخصی و فردی پرداخته‌اند. بررسی کلی این سه جدول نشان دهنده بالاتر رفتن میزان دینداری در افراد می‌باشد. گواه این ادعا بالاتر رفتن میزان تلاوت قرآن، شرکت در مسجد و نماز جماعت، بالاتر رفتن میزان احساس نزدیکی به خدا، بیشتر شدن میزان تقلید از مراجع و کمتر شدن عمل کردن به صلاحدید خود است. اما در مورد امور جمعی و مربوط به جامعه، بررسی جدول‌های شماره چهار و پنج بیانگر این است که پاسخگویان به سمت بی‌نظر بودن یا مردد بودن بیشتر گرایش داشته‌اند. گویه‌های شاهد این مدعا نیز رفت و آمد با افرادی که نماز نمی‌خوانند، موافقت یا مخالفت با جدایی دین از سیاست، در نظر نگرفتن عقاید مذهبی در گزینش استخدامی و جلوگیری از انتشار کتاب‌ها و فیلم‌هایی که باعث ناراحتی افراد مذهبی می‌شود، هستند. نتایج جدول شماره چهار در این موارد نشان دهنده رشد میزان مردد بودن پاسخگویان می‌باشد. به نظر نگارنده این امر را می‌توان نشانه‌ای از بی‌تفاوتی مدنی، و شخصی شدن دینداری یا گرایش به سکولاریسم در نظر گرفت. اما اینکه نتایج این پیمایش‌ها تا چه اندازه از روایی و اعتبار برخوردار هستند، خود امری مهم و قابل بحث است. داشتن ابزار مناسب و هم‌چنین ساخت گویه‌های مناسب با موضوع که قابلیت سنجش همه جانبه موضوع را داشته باشد، نکته اساسی در هر پژوهش است.

شجاعی زند (۱۳۹۳)، طی پژوهشی به نقد و ارزیابی گویه‌های به کار رفته در پیمایش دینداری در ایران پرداخته است. وی، با تمرکز بر ۱۲ پیمایش شاخص، به بررسی روایی آن‌ها در سح سوم پرداخته و آن را نه بر حسب مدعی ایشان در تحصیل روایی، بلکه از طریق تأمل در فحوای گویه‌های به کار رفته و میزان انطباق آن‌ها با مقصود سنجش، مورد ارزیابی قرار داده است. شجاعی زند دو ایراد اساسی تحقیقات انجام شده در باب دینداری را این طور شناسایی کرده است: ۱. اصرار نابه‌جا و غیرقابل فهم در بکارگیری روش پیمایش و بزار پرسشنامه برای سنجش تمام ابعاد و مولفه‌های دینداری، به رغم تمایزات ماهوی آن‌ها؛ ۲. تعجیل و کم‌کاری در مرحله واکاوی مفهومی دینداری و مولفه‌های آن و در نتیجه بروز انواع سهل‌انگاری‌ها در مرحله ساخت گویه.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از گویه‌های به کار رفته در پرسشنامه این تحقیقات، مفهوم و مقوله دیگری به جز دینداری و مولفه‌های آن را سنجیده‌اند. روش رایج در سنجش دینداری پیمایش است و موارد مراجعه به آن هم عمدتاً افراد هستند. روش پیمایش، موردهای فردی و میل افراد به تعمیم نتایج، انتخاب محققان این حوزه مطالعاتی را در استفاده از فنون جمع‌آوری اطلاعات، محدود ساخته است. به همین رو نیز، پرسشنامه به رایج‌ترین ابزار مطالعات دینداری تبدیل شده است. در آخر، ماحصل این پژوهش نشان می‌دهد که نتایج حاصل از مطالعات انجام گرفته در مورد دینداری در ایران، نمی‌تواند چندان دقیق و معتبر باشد و لازم است با احتیاط بیشتری به سراغ آن‌ها رفت و به آن‌ها استناد کرد. حال اینکه گویه‌های مورد استفاده قرار گرفته در پیمایش‌های ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج دوم و سوم تا چه اندازه روایی داشته و قابل استناد هستند، خود موضوعی است در خور بررسی و نیازمند پژوهشی در این زمینه است.

منابع

- اسماعیلی، هادی؛ حسام‌الدین آشنا، ۱۳۹۲، دینداری فرهنگی، نمود فرهنگ در صور دینداری؛ *راهبرد فرهنگ*؛ شماره بیست و سوم.
- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۶، آثار دینداری از دیدگاه ویلیام جیمز؛ *دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*؛ سال اول؛ شماره اول.
- بابایی فرد، اسداله، ۱۳۸۹، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران؛ *فصلنامه رفاه اجتماعی*؛ سال دهم، شماره ۳۷.
- توفیقی، فاطمه، ۱۳۹۴، آزادی و دینداری از دیدگاه میشل فوکو، با تأکید بر نوشته‌های او درباره انقلاب اسلامی ایران؛ *عرب‌شناسی بنیادی*، پژوهشگاه انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سال ششم؛ شماره اول.
- راودراد، اعظم، ۱۳۸۸، نقش برنامه‌های دینی و غیردینی تلویزیون در افزایش یا کاهش دینداری؛ *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره دوم، شماره ششم.
- ربانی، رسول؛ صفائی نژاد، فتحیان، ۱۳۸۴، فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی، مطالعه موردی شهر دهدشت در سال ۱۳۸۲، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*؛ شماره ۲.
- رضادوست، کریم؛ حسین‌زاده، علی حسین؛ مصطفایی دولت‌آباد، حلیمه، ۱۳۹۰، بررسی جامعه‌شناختی برخی از عوامل موثر بر میزان دینداری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)، *فصلنامه برنامه‌ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی*؛ شماره ۱۰.
- شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۲، مدلی برای سنجش دینداری در ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱.
- شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۹۱، روندهای شکل‌گیری دینداری؛ *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال نهم؛ شماره دوم.
- شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۹۳، نقد و ارزیابی «گویه‌های به کار رفته» در پیمایش‌های دینداری در ایران، *فصلنامه‌ی راهبرد فرهنگ*، شماره بیست و ششم.
- طالبان، محمدرضا، ۱۳۸۸، چارچوبی مفهومی برای پیمایش دینداری در ایران، *دوفصلنامه علمی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی*، سال اول، شماره ۲.
- طالبان، محمدرضا؛ رفیعی بهابادی، مهدی، ۱۳۹۰، ارزیابی تجربی نظریه اینگلهارت در ایران: ارتباط توسعه با دینداری، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۵.
- میرسندسی، محمد؛ (بی‌تا)، رابطه ایدئولوژی و دین و تاثیر آن بر تنوع دینداری با تأکید بر ایران پس از انقلاب، *پژوهشنامه متین*، شماره ۳۶.
- میرفردی، اصغر؛ مختاری، مریم؛ ولی‌نژاد، عبدالله، ۱۳۹۶، میزان دینداری و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هشتم، شماره دوم.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور*، موج دوم، دفتر انتشارات طرح‌های ملی، تهران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۵، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور*، موج سوم، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی.

Changes in the Tendency towards Religiosity in Iran in the Last Two Decades

Assadollah Babaeifard

Associate Professor, Department of Social Sciences,
University of Kashan

babaiefardm@gmail.com

Hamideh Rahimi Khoshmakani

Master of Cultural Studies, University of Kashan

hrahimikh021@gmail.com

Maryam Kamari Segelvand

Master of Cultural Studies, University of Kashan

maryamkamari@gmail.com

Abstract

In this study, changes in the field of religiosity during ۱۲ years, from ۲۰۰۳ to ۲۰۱۵, have been studied using the secondary data analysis method. The statistical data of this research are extracted from the findings of experimental researches of recent years, especially the national surveys of Iranian values and attitudes in ۲۰۰۳ and ۲۰۱۵. The obtained data are collected and analyzed in five tables. According to the data of these surveys on religion and religiosity, two general areas of Personal and Individual dimensions and Collective dimensions were considered. In order to study Personal and Individual dimensions, religious practices and rituals, practice of religious rules and attitudes and religious beliefs have been evaluated, and in order to study the collective dimension and matters related to society, the attitude of individuals towards present and future religiosity in society has been evaluated. Data analysis shows an increase in the degree of religiosity in the individual and personal dimension during the period under review. On the other hand, in the collective dimension and matters related to society, we are facing an increase in the level of neutrality and hesitation in Iranian society over the last twelve years.

Keywords: Secondary Analysis, Religiosity, National Surveys of Iranians' Values and Attitudes, Individual Dimension of Religiosity, Collective Dimension of Religiosity.